

Islamic Knowledge and Insight

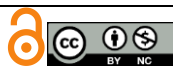
The Role of Senior Managers of the Islamic Republic of Iran (Governmental Apparatuses) and Non-Instrumental Components in the Convergence of Regional Shiites

1. Ardeshtir Asgari Gandomani: Department of Political Science, Lam.C., Islamic Azad University, Lamerd, Iran
2. Ali Mohammad Haqiqi*: Department of Political Science, Lam.C., Islamic Azad University, Lamerd, Iran. (Email: am.hahighi@yahoo.com)
3. Amin Ravanbad: Department of Political Science, Lam.C., Islamic Azad University, Lamerd, Iran

Abstract

The purpose of writing this article is to emphasize the spiritual and faith-based capacities of the nation and to further strengthen these capacities both in slogans and in practice. In addition, another objective of this article is to draw the reader's attention to the fact that Iran's non-instrumental capacities are not dependent on material tools but rather on spiritual and faith-based dimensions, and therefore appear to be invincible. What we are witnessing today in the world is the use of economic, military, and cultural tools by great powers in order to dominate other countries. Hence, the West, and at its head the United States, by employing these sources of soft power, attempts to capture the minds of nations and subsequently shape the transformations that follow. In this context, since the victory of the Islamic Revolution, the Islamic Republic of Iran has always been exposed to the West's soft warfare and has been under the heaviest assaults of the enemy's psychological warfare. Nevertheless, the Islamic Republic of Iran has strengthened its position over the past more than forty-three years and has thwarted the West from achieving its objectives. The question that arises at this point is: with what instruments and through which capacities has Iran confronted the West from a position of power? The hypothesis of this article is articulated as follows: it appears that the Islamic Republic of Iran, by making use of sources of soft power (qualified guardianship and leadership, the nation's adherence to religious values, and loyalty to the system)—which are not material but spiritual and faith-based—has advanced along this path and achieved victory. Accordingly, in the present article, alongside a brief examination of the dimensions and objectives of soft warfare, and by reference to the statements of Imam Khomeini (may his soul rest in peace) and Ayatollah Khamenei, we have explored the sources of Western soft power from Joseph Nye's perspective, and have referred to the soft power components of Iran as "non-instrumental components." Subsequently, the sources of soft power of the Islamic Republic of Iran—which are summarized in qualified guardianship and leadership, the nation's adherence to religious values, and loyalty to the system—are highlighted, and emphasis is placed on the importance of unity and possessing insight.

Keywords: senior managers, governmental apparatuses, non-instrumental components, Shiite convergence



How to cite: Asgari Gandomani, A., Haqiqi, A. M., & Ravanbad, A. (2026). The Role of Senior Managers of the Islamic Republic of Iran (Governmental Apparatuses) and Non-Instrumental Components in the Convergence of Regional Shiites. *Islamic Knowledge and Insight*, 4(1), 1-13.
© 2026 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 29 May 2025

Revise Date: 16 September 2025

Accept Date: 23 September 2025

Publish Date: 25 October 2025

معرفت و بصیرت اسلامی

نقش مدیران ارشد ج.ا.ا (دستگاه‌های حاکمیتی) و مولفه‌های غیر عامل در همگرایی شیعیان منطقه

۱. اردشیر عسگری گندمانی: گروه علوم سیاسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران
۲. علی محمد حقیقی*: گروه علوم سیاسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران. (پست الکترونیک: am.hahighi@yahoo.com)
۳. امین روانبد: گروه علوم سیاسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران

چکیده

هدف از نگارش این مقاله بیان موکد ظرفیت‌های معنوی و ایمانی ملت و تقویت هر چه بیشتر این ظرفیت‌ها چه در شعار و چه در عمل است. علاوه بر این هدف دیگر این مقاله توجه دادن خواننده به این موضوع است که ظرفیت‌های غیر عامل ایران نه وابسته به ابزارهای مادی بلکه وابسته به ابعاد معنوی و ایمانی است و از این رو شکست ناپذیر می‌نماید. آنچه امروز در جهان شاهدیم استفاده کشورهای بزرگ از ابزارهای اقتصادی، نظامی و فرهنگی به منظور سلطه بر کشورهای دیگر است. از این رو غرب و در راس آن آمریکا، با استفاده از منابع قدرت نرم مذکور، سعی بر تسخیر افکار ملت‌ها و در مرحله بعد شکل دهی به تحولات پس از آن دارد. در این میان جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی همواره در معرض جنگ نرم غرب قرار داشته و تحت بیشترین هجمه جنگ روانی دشمن قرار داشته است. با این وجود جمهوری اسلامی ایران موضوع خود را طی بیش از چهل و سه سال گذشته تقویت کرده و غرب را در رسیدن به اهداف خود ناکام گذاشته است. سوالی که در این مرحله به ذهن خطور می‌کند این است که ایران با استفاده از چه ابزارها و با وجود چه ظرفیت‌هایی از موضع قدرت با غرب تقابل کرده است؟ فرضیه در این مقاله اینگونه عنوان می‌شود که به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران با استفاده از منابع قدرت نرم (ولایت و رهبری شایسته، پابندی ملت به ارزش‌های دینی و وفاداری به نظام) که نه ابزاری مادی بلکه معنوی و ایمانی است در این راه گام برداشته و با پیروزی مسیر را طی کرده است. در این راستا در مقاله حاضر ضمن بررسی مختصر ابعاد جنگ نرم و اهداف آن و با استناد به سخنان حضرت امام خمینی (ره) و آیت الله خامنه‌ای، به بررسی منابع قدرت نرم کشورهای غربی از نظر جوزف نای پرداخته ایم و از مولفه‌های قدرت نرم ایران با عنوان مولفه‌های غیر عامل یاد کرده ایم. پس از آن منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران که در ولایت و رهبری شایسته، پابندی ملت به ارزش‌های دینی و وفاداری به نظام خلاصه می‌شود اشاره گردیده و بر اهمیت وحدت و برخورداری از بصیرت تأکید شده است.

کلیدواژه‌ها: مدیران ارشد، دستگاه‌های حاکمیتی، مولفه‌های غیر عامل، همگرایی شیعیان

شیوه استناددهی: عسگری گندمانی، اردشیر، حقیقی، علی محمد، و روانبد، امین. (۱۴۰۵). نقش مدیران ارشد ج.ا.ا (دستگاه‌های حاکمیتی) و مولفه‌های غیر عامل در همگرایی شیعیان منطقه. معرفت و بصیرت اسلامی، ۴(۱)، ۱-۱۳.

© ۱۴۰۵ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۸ خرداد ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۲۵ شهریور ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱ مهر ۱۴۰۴

تاریخ چاپ: ۲۳ آبان ۱۴۰۴

می‌دهد چنین است: «جنگ نرم، استفاده دقیق و طراحی شده از تبلیغات و دیگر اعمالی است که منظور اصلی آن تاثیرگذاری بر عقاید، احساسات، تمایلات و رفتار دشمن، گروه بی طرف و یا گروه‌های دوست است به نحوی که برای برآوردن مقاصد و اهداف ملی پشتیبان باشد». با عنایت به تعاریف پیشین، معروف ترین تعریف را به جوزف نای، پژوهشگر برجسته آمریکایی در حوزه «قدرت نرم» نسبت می‌دهند. جوزف نای استاد دانشگاه و ظاهراً اولین فردی است که اصطلاح جنگ نرم را به کار برده است، جنگ نرم را «شکل دهی ترجیحات دیگران» توصیف می‌کند و قدرت نرم را «قدرت شکل دهی ترجیحات دیگران» می‌داند. (همان، ۷)

در رابطه با اهداف جنگ نرم باید گفت حمله به ارزش‌ها و هنجارها و تغییر الگوهای رفتاری و خلق الگوهای جدید که با الگوهای نظام حاکم در تعارض باشد از اصلی ترین اهداف این پدیده است. بر همین اساس موثرترین هدف جنگ نرم، متقاعد کردن هر چه بیشتر مردم برای عدم حمایت از نظم موجود به واسطه مخالفت فعالانه یا رد برخورد منفعلانه می‌باشد. براندازی نرم، فروپاشی و استحاله در حاکمیت از اهداف کلی جنگ نرم می‌باشد. علاوه بر این گفتمان سازی، مرجع سازی، تغییر الگوی مصرف رسانه‌ای، نخبه سازی مصنوعی، و سلطه اطلاعاتی از مهمترین اهداف میان برد و واسطه‌ای در جنگ نرم است (Mah Pishanian, 2010).

امام خمینی (ره) نیز، به عنوان رهبری آگاه به مبانی جنگ نرم، یکی از راه‌های مهمی که دشمن از طریق آن جهت ضربه زدن به اسلام و انقلاب اسلامی اقدام خواهد کرد را استفاده از روش‌های جنگ نرم عنوان می‌کنند. ایشان در یکی از سخنرانی‌های خود، یاد آوری می‌کنند که آمریکا با زور سرنیزه به میدان نمی‌آید، بلکه با قلم به میدان می‌آید و به این ترتیب، شیوه جنگ غرب علیه اسلام را پیش بینی می‌نماید. ایشان، در تذکری به دوستان انقلاب اسلامی، خاطر نشان می‌کند که نباید از قدرت نظامی دشمن ترسید: «عزیزان من! ما

خداوند در آیه‌ی ۲۱۷ سوره‌ی مبارکه‌ی بقره می‌فرماید: "و لایزالون یقاتلونکم حتی یردوکم عن دینکم إن استطاعوا". به این معنی که «دشمنان شما همواره با شما در جنگ هستند». واژه لایزالون، دلالت بر استمرار دارد و گویای این است که دشمنان همیشه با شما در جنگ هستند منتهی بسته به شرایط مکانی و زمانی نوع این جنگ ممکن است متفاوت باشد. گاهی جنگ، جنگ نظامی است. گاهی اقتصادی است و گاهی نیز فرهنگی. از این رو به نظر می‌رسد جنگ نرم و مفاهیم همسان از قبیل عملیات روانی، جنگ روانی، قدرت نرم، جنگ سفید و... قدمتی به اندازه حیات بشری دارد (Najafi, 2010). با این وجود «جنگ نرم» با مختصات جدید خود بعد از شروع جنگ سرد^۱ و در اوج آن یعنی در دهه ۱۹۷۰ با مشارکت اساتید برجسته علوم سیاسی و علوم ارتباطات از جمله جوزف نای، هارولد لاسول، جان کالینز، اعضای برجسته آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) CIA و فرماندهان ارشد پنتاگون با تاسیس مرکزی تحت عنوان «کمیته خطر جاری» طراحی، تدوین و عملیاتی شد که مهم‌ترین هدف آن بمباران تبلیغاتی علیه بلوک شرق و به ویژه شوروی بود که ظاهراً بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی این کمیته به «کمیته صلح جاری» تغییر کرده و همچنان فعال است و کانون تهاجمات روانی آن جهان اسلام و به ویژه جمهوری اسلامی ایران و هواداران منطقه‌ای آن از جمله حزب الله، حماس و کشورهای دوست ایران می‌باشد (Vahedian Ardakani, 2010)

اما تعاریف متفاوتی از جنگ نرم از سوی شخصیت‌ها و نهادهای مختلف ارائه شده است که البته همه تعاریف وجوه مشترکی دارد. جان کالینز، تئوریسین دانشگاه ملی جنگ آمریکا، جنگ نرم را عبارت از «استفاده طراحی شده از تبلیغات و ابزارهای مربوط به آن را برای نفوذ در مختصات فکری دشمن با توسل به شیوه‌هایی که موجب پیشرفت مقاصد امنیت ملی مجری می‌شود». می‌داند (Collins, 1991). تعریفی که ارتش آمریکا از جنگ نرم ارائه

^۱. Cold War

(2010). قبل از تبیین قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران نگاهی به قدرت نرم غرب در برابر کشورهای دیگر خواهیم انداخت تا تفاوت قدرت به شکل روشنی مشخص گردد.

غرب و منابع قدرت نرم

پیش از بررسی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران به منابع قدرت نرم غرب و به ویژه آمریکا اشاره می‌کنیم. جوزف نای نظریه پرداز معروف قدرت و جنگ نرم در کتاب خود "قدرت نرم، ابزارهای موفقیت در سیاست بین الملل" بر این عقیده است که اصولاً قدرت نرم در یک کشور می‌تواند از سه منبع اصلی پدید آید:

- فرهنگ آن کشور

- ارزش‌های سیاسی

- و سیاست خارجی (Nye, 2008)

نای معتقد است ایالات متحده آمریکا و اروپا با استفاده از منابع قدرت نرم پیش گفته در جنگ نرم از قدرت نسبتاً بالایی برخوردارند. مخصوصاً هنگامی که سهم توانایی اقتصادی این کشورها را نه فقط به خاطر توانگری و ثروتی که ایجاد می‌کند، بلکه به دلیل شهرت و جذابیتی که همراه خود می‌آورد مورد لحاظ قرار دهیم. آمریکا نه تنها دارنده بزرگترین اقتصاد جهان است بلکه نیمی از شرکت‌های برتر جهان را در اختیار دارد و در مورد مکاتب اقتصادی نیز، از ده مکتب برتر جهانی، هشت مورد آن آمریکایی می‌باشند. همچنین اتحادیه اروپا ۱۷ درصد تجارت جهانی را به خود اختصاص داده است (Nye, 2008).

جوزف نای همچنین در رابطه با فرهنگ و منبع قدرت نرم غرب معتقد است برخی از کارشناسان فرهنگی با این نظریه موافق هستند که فرهنگ عالی غرب به ویژه آمریکا برای این کشورها قدرت نرم تولید می‌کند. برای مثال زمانی کالین پاول وزیر امور خارجه ایالات متحده گفته بود "من فکر می‌کنم برای کشور ما هیچ دارایی با ارزشمندتر از دوستی رهبران آینده جهان که در اینجا تحصیل کرده اند، نیست." از منظر جرج کنان تماس‌های فرهنگی وسیله‌ای مهم برای مبارزه با احساسات منفی درباره آمریکا می‌باشد که تاثیر بسیار

از حصر اقتصادی نمی‌ترسیم، ما از دخالت نظامی نمی‌ترسیم، آن چیزی که ما را می‌ترساند وابستگی فرهنگی است، ما از دانشگاه استعماری نمی‌ترسیم». (www.fashnews.com) حضرت امام (ره)، ایجاد وابستگی شدید فرهنگی به غرب را مهمترین هدف دشمن از راه اندازی جنگ نرم عنوان می‌کند. همچنین ایشان هجوم به اسلام و قرآن را از اهداف اصلی جنگ نرم می‌داند. نکته جالب اینکه حضرت امام (ره) سلاح دشمن در تهدید اسلام ناب و قرآن را، استفاده از منحرفین و تمسک به ظاهر قرآن می‌داند. تعبیر ایشان این است که دشمن از قرآن علیه قرآن استفاده می‌نماید (Mah Pishanian, 2010).

مقام معظم رهبری نیز هدف جنگ نرم را سست کردن اعتقادات دانسته و با تاکید بر جنگ نرم دشمن علیه ملت ایران فرمود: «اختلاف و تفرقه میان آحاد مردم، میان مسئولان و بخشهای گوناگون نظام، و میان نظام و مردم، اهداف اصلی دشمن برای بر هم زدن انسجام موجود در کشور است که باید با همه اشکال آن مقابله کرد که تنها راه مقابله نیز حفظ و تقویت بصیرت، و در نظر گرفتن اهمیت و حساسیت جایگاه کنونی ملت ایران است.» (Statements by the Supreme Leader in a meeting with commanders and personnel of the Army Air Force on February 9, 2011). بنا بر این مقام معظم رهبری نیز هدف اصلی جنگ نرم را رخنه دشمن در ایمان و اعتقادات مردم می‌داند.

با توجه به موارد پیش گفته می‌توان نتیجه گرفت که جنگ نرم به مثابه راهبرد انتخابی نظام سلطه برای تسلط بر افکار و اراده ملت‌ها تدوین و طراحی شده است. در این راستا، غرب و در راس آن آمریکا، با استفاده از قدرت نرم و ابزارهای موجود، عامل دگرگونی‌های عمیق در جوامع مختلف بوده است. در این جنگ دشمن از ابزارهایی همچون: رسانه، برجسته سازی مخالفان، استفاده ابزاری از حقوق بشر و دیپلماسی عمومی و... در جهت منافع خود و علیه ملت‌های دیگر استفاده می‌کند (Jafari & Zahmatkesh, 2011).

امپراتوری دعوت شده بیان می‌دارد «از نظر ارزشی، مفاهیمی چون فدرالیسم، دموکراسی و بازارهای باز، نماینده هسته اصلی ارزش‌های آمریکایی می‌باشند؛ و این چیزی است که آمریکا صادر می‌کند.» (Nye, 2008). در این رابطه در قرن ۲۱ برای ایالات متحده حفظ میزانی از نظم جهانی جزء منافع ملی می‌باشد و برای این منظور آمریکا و اروپا نیاز داشتند تا بر حکومت‌ها و سازمان‌های دور دست، در گستره‌ای از موضوعات مختلف نفوذ داشته باشند، موضوعاتی چون: تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی، تروریسم، مواد مخدر، تجارت و... در این راستا با استفاده از سیاست خارجی قوی آن‌ها را سازماندهی کرد و توان تاثیر بر دیگران را بر خود محفوظ داشت.

با این اوصاف در ادامه به منابع قدرت نرم ایران می‌پردازیم و خواهیم دید که جنس منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران با منابع قدرت نرم غرب تفاوت اساسی دارد و این تفاوت عامل برتری ایران در رویارویی جنگ نرم تحمیلی از سوی غرب به شمار می‌رود.

منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران (مولفه‌های غیر عامل)

بدون شک جمهوری اسلامی ایران با برخورداری از مولفه‌های مهمی همچون ولایت و رهبری شایسته، پابندی به ارزش‌های دینی، وفاداری ملت به نظام در مقاطع حساس و... و نه با سلطه نظامی و اقتصادی، نه تنها در برابر جنگ نرم تضعیف نشده بلکه در عمق ملتها و کشورهای اسلامی نفوذ کرده است. در این قسمت، منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را در دو سطح راهبردی (سطح رهبران) و سطح میانی (افراد جامعه) که به عاملی در جهت پیشرفت ملت ایران در بستر جنگ نرم مبدل شده است، مورد بررسی قرار خواهیم داد.

- ولایت و رهبری شایسته

در ابتدا به سطح راهبردی منابع قدرت نرم ایران اشاره خواهیم کرد. در اسلام به «ولایت» اهمیت فراوان داده شده است به گونه‌ای که اگر ولایت نباشد هیچ چیز نیست، بلکه باید برنامه‌های اسلام تحت نظارت ولایت باشد، و به عبارت دیگر چرخ انقلاب توسط او به

زیادی بر افکار عمومی جهان دارد. مبادلات علمی و دانشگاهی نیز نقش مهمی را در افزایش قدرت نرم دارند. به دلیل اینکه مبادلات فرهنگی بر نخبگان جامعه تاثیر می‌گذارد لذا یک یا دو تماس مهم، ممکن است تاثیرات زیادی داشته باشد. در نتیجه جذابیت فرهنگی به غرب برای به دست آوردن اهداف مهم در جنگ نرم کمک فراوانی می‌کند (Nye, 2008).

سیاست‌ها و ارزش‌های داخلی نیز در آمریکا و اروپا خود موجد قدرت نرم هستند. آن‌ها مایلند ارزش‌های خود را همانطور که می‌گویند نشان دهند. ارزش‌های سیاسی مانند دموکراسی و حقوق بشر می‌توانند منابع جذب قدرتمندی باشند اما صرف داشتن ادعای آن‌ها کافی نیست. البته این ارزش‌های سیاسی ممکن است برخی از مردم دفع و برخی را جذب کند. فردگرایی و آزادی برای بسیاری از مردم جذاب است، اما برخی را نیز دفع می‌کند، مخصوصاً بنیادگرایان را. برای مثال فمینیسم آمریکایی، آزادی‌های جنسی و حق انتخاب فردی، در برخی جوامع خاص مخرب هستند و این یادآور این جمله خلبان آمریکایی است که در جریان حملات ۱۱ سپتامبر گفته بود آمریکا را دوست ندارم چون خیلی آزاد است. با این وجود در طول دهه‌های اخیر اعتماد به دولت‌های غربی کاهش یافته و این امر باعث شده است تا برخی ناظرین نسبت به دموکراسی در غرب ابراز نگرانی کنند. اما آنچه مسلم است اینکه سیاست‌ها و ارزش‌های غربی خود یکی از منابع قدرت نرم به شمار می‌روند (Nye, 2008).

نای در ادامه به سیاست خارجی اشاره می‌کند و تاکید می‌کند که جذابیت غرب به ویژه آمریکا تا حد زیادی نیز به ارزش‌های اظهار شده در مفاهیم و روش سیاست خارجی، نیز وابسته است. همه کشورها در سیاست خارجی، منافع ملی خود را درک می‌کنند، اما در تعقیب منافع ملی باید مشخص کنیم که منافع ملی را چقدر وسیع یا محدود تعریف می‌کنیم. نویسنده نروژی گیر لوندستاد^۱ با اشاره به موفقیت آمریکا در نیمه دوم قرن بیستم در اروپا به عنوان یک

^۱. Geir Lundestad

و همچون گذشته بر آگاهی دادن به مردم و توطئه دشمنان همت گماردند. به طوری که اکثر علما و دانشمندان بر خنثی سازی طرح‌های مخرب دشمن توسط ایشان اذعان کرده اند.

اگر بخواهیم اهمیت مسئله رهبری شایسته در جوامع مختلف را مورد بررسی قرار دهیم، باید نیم نگاهی به کشورهای درگیر دموکراسی خواهی در خاورمیانه و شمال آفریقا بیندازیم. اگر کشورهایی همچون مصر و تونس تاکنون موفق به وحدت نظر در مورد چگونگی ساختار حکومت نشده اند و یا در لیبی و یمن مردم از نبود رهبری رنج برده و تکلیف خود را نمی‌دانند، دلیلی جز عدم برخورداری از رهبرانی همچون امام خمینی (ره) و ایت الله خامنه‌ای ندارد. بنابراین ولایت و رهبری شایسته از مهمترین منابع قدرت ایران است که در مواقع حساس نقش ارزنده‌ای را ایفا می‌کند.

پایبندی به ارزش‌های دینی

بحث بعدی مرتبط با پایبندی به ارزش‌های دینی می‌باشد که در سطح میانی قابل بررسی است. بدون شک مردم ایران در طول بیش از سه دهه با پایبندی به ارزش‌های دینی توانستند مسیر پیشرفت را طی کرده و در برابر جنگ نرم دشمن مقاومت کنند. ولایت پذیری، نفی سلطه و... از مصادیق این پایبندی است. به نظر می‌رسد رای ۹۸ درصدی ملت ایران به جمهوری اسلامی اوج ولایت پذیری ملت بود. امروز نیز هم در شعار و هم در عمل به روشنی ولایت پذیری مردم نمایان است. شرکت میلیونی در مراسم ۲۲ بهمن مصداق بارز ولایت مداری و ولایت پذیری مردم ایران است. علاوه بر این حضور جوانان ایرانی در جبهه‌های ۸ سال دفاع مقدس که که جان خود را کف دست گرفته و پا به میدان نبرد گذاشتند از مصادیق دیگر ولایت پذیری ملت ایران به شمار می‌رود. اینها تنها نمونه‌ای از مصادیق ولایت پذیری به شمار می‌رود که به صورت غیر عامل به قدرتی بزرگ در برابر جنگ نرم دشمن مبدل شده است.

نفی سلطه نیز از دیگر خصوصیات ملت ایران به شمار می‌رود. شالوده و کلید واژه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران منبعث از قانون اساسی این کشور را مواردی همچون حفظ کرامت و عزت انسانها،

گردش در می‌آید، او نشان راه و پیشوا و جلودار امت است، و همه گروه‌های اسلام را در یک خط به پیش می‌برد. جمهوری اسلامی ایران نیز به واسطه پیروزی انقلاب ایران به رهبری حضرت امام خمینی (ره) از ولایت بی‌نصیب نمانده و هم اکنون نیز در ادامه راه حضرت امام، آیت الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) به رهبری امت اسلامی ادامه می‌دهند.

باید گفت ایران در گذشته کشوری بود وابسته و جزء اقمار بلوک غرب و در همسایگی با ابرقدرت شرق قرار داشت و موقعیت جغرافیایی و ژئوپولیتیکی برای غرب و شرق آنرا از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار کرده بود. اما این دوران یکی از تاریک‌ترین دوران تاریخ ایران به شمار می‌رود که بر شمردن دلایل آن در این مقاله نمی‌گنجد. در واقع با درایت و هوشمندی امام خمینی (ره) و آگاهی مردم، انقلاب ایران رقم خورد و دوران سلطه خاندان پهلوی و به تبع آن آمریکا و غرب بر ایران پایان یافت و از آن زمان تاکنون هجده دنیای غرب علیه ملت ایران ادامه یافته است. با چنین وضعیتی حضرت امام (ره) با رهبری مدبرانه خود مسیر ملت ایران را مشخص کرده، به طوری که رهنمودهای ایشان همچنان چراغ راه ملت و مسئولین ایران به شمار می‌رود. امام خمینی (ره) مرتباً از توطئه دشمنان به ویژه آمریکا خبر می‌دادند و بر هوشیاری ملت در برابر خواست و هدف دشمنان تاکید داشتند. به عبارت دیگر ایشان از «مدل مدیریت بر قلوب» به عنوان الگوی رهبری که دارای عناصری همچون «انگیزه الهی»، «تکلیف‌مداری» و «مردم‌داری» است استفاده کرده‌اند (Shafiei, 2008). در واقع رهبری از منظر ایشان در خدمتگزاری، برادری، ایثارگری، بصیرت‌دهی خلاصه شده بود، و اینگونه است که ولایت ایشان بر ملت ایران به عنوان بزرگترین دستاورد انقلاب اسلامی به جهانیان معرفی شد.

در این راستا ولایت و رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای نیز همچون دوران امام خمینی (ره) ادامه یافته و درایت و رهبری ایشان تا به حال کشور را از خطرات زیادی گذرانده است. ایشان نیز با حکمت و عقلانیت تمام به ویژه در حوادث بعد از انتخابات ۱۳۸۸ عمل کرده

تحقق سعادت و رفاه بشری در کل جامعه جهانی در سایه صلح، امنیت، آزادی و برابری انسانها، حفظ استقلال در چارچوب نفی سلطه جویی و سلطه پذیری تشکیل می‌دهند. در همین زمینه نیز در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هر گونه ستمگری و ستم کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری نفی گردیده^۱ و در اصل دیگر استعمار مطرود و بر جلوگیری از نفوذ اجانب تاکید شده است.^۲

بنابراین تبعیت از قاعده نفی سلطه و نفی سبیل^۳ چه در چارچوب سیاست خارجی و چه در وجود مردم جاری و ساری است. این اصل و قاعده محکم فقها، ضامن حفظ استقلال اسلام و مسلمانان در تمام زمینه هاست. خداوند متعال در قوانین و شریعت اسلام، به هیچ روی، راه نفوذ و تسلط کفار بر مسلمانان را باز نگذاشته است (Ziyabakhsh, 2009). این مسئله آنقدر در سیاست خارجی اهمیت دارد که امام خمینی (ره) نیز همواره و به انحاء مختلف بر آن تاکید داشتند، از این رو نفی سلطه پذیری به یکی از اهرم‌های موثر در برابر جنگ نرم دشمن عمل می‌کند و به واسطه ولایت پذیری و پایبندی به ارزش‌های دینی راه را بر دشمنان می‌بندد. گرچه مواردی همچون شرکت در مراسم دشمن شکن نماز جمعه و شرکت در مراسم محرم و صفر که تجدید بیعت با آرمان‌های امام حسین (ع) تلقی می‌شود نیز از مصادیق دیگر پایبندی به ارزش‌های دینی به شمار می‌رود و در تقابل با جنگ نرم عمل می‌کند.

وفاداری ملت به نظام

مسئله بعدی که در سطح میانی قابل طرح است وفاداری ملت به نظام می‌باشد. تاریخ پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران شهادت می‌دهد که ملت ایران در وفاداری به نظام و انقلاب سنگ تمام گذاشته و از این طریق به عنوان منبع قدرت نرم ایران در برابر جنگ نرم دشمن عمل کرده است. مصادیق متعدد چنین وفاداری از سوی ملت متعدد است اما می‌توان به چند نمونه در این زمینه اشاره کرد. حضور میلیونی در راهپیمایی ۲۲ بهمن ماه، حضور عظیم ملت در مناسبت‌های

مذهبی، شرکت گسترده در انتخابات کشور، حضور و برگزاری مراسم ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، ... همه و همه نشان از وفاداری مردم به نظام و رهبری دارد. در این میان حضور ملت در راهپیمایی ۲۲ بهمن را نمی‌توان نادیده گرفت، چرا که مردم به دلیل بصیرت و آگاهی از اعمال دشمنان، همچنان پس از ۳۸ سال در خیابان‌ها حضور یافته و شعار به ودیعه گذاشته حضرت امام (ره) همچون استقلال، آزادی را سر می‌دهند و این در حالی است که این حمایت گسترده در کشورهای دیگر از نظر عمق و گستره سابقه ندارد. نمونه دیگر وفاداری مردم به نظام، برگزاری مراسم ۹ دی سال ۸۸ است که در پی فتنه انگیزی برخی به صورت خود جوش صورت گرفت. و چندین نمونه دیگر که در مقاله حاضر، قادر به تشریح آن‌ها نیستیم. با این حساب وفاداری ملت نیز به عنوان یکی دیگر از منابع قدرت نرم مطرح می‌باشد.

بصیرت و وحدت عامل تقویت قدرت نرم ایران

بدون شک وحدت بیش از پیش در میان مسئولین و ملت، قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را تقویت می‌کند و دشمنان را در اجرای اعمال خود ناکام می‌گذارد که این جز با توجه به رهنمودهای مقام معظم رهبری امکان پذیر نخواهد بود. در همین راستا تاکید بر بصیرت یکی از راهبردی ترین رهنمودهای ایشان به شمار می‌رود که امروزه و در اوج جنگ روانی قابل توجه می‌باشد. از این رو به نیکی می‌توان دریافت که بصیرت عامل مهمی در مقابله با جنگ نرم دشمنان به شمار می‌رود. چرا که به تعبیر مقام معظم رهبری: «در حوادث فتنه گون، شناخت عرصه دشوار است، شناخت اطراف قصه دشوار است، شناخت مهاجم و مدافع دشوار است، شناخت ظالم و مظلوم دشوار است، شناخت دشمن و دوست دشوار است... پس باید حقیقت را فهمید؛ بعد هم باید همان حقیقت را تبلیغ کرد... بایستی گره گشائی کرد؛ بایستی حقیقت را باز کرد، بایستی گره‌های ذهنی را باز کرد. و این تبیین لازم دارد» از این رو بررسی دقیق این مسئله

^۱. اصل دوم- بند ج قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

^۱. اصل دوم- بند ج قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

^۲. اصل سوم- بند ۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

^۳. و لکن یجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا، سوره نساء، آیه ۱۴۱

الگو قرار گرفتن ایران شیعی و حرکت از واگرایی به سوی

همگرایی

یکی از مهم ترین مباحثی که در ارتباط با شیعیان جهان مطرح است، بحث وحدت جهان تشیع بدون آسیب زدن به وحدت جهان اسلام است. البته باید توجه داشت که دین اسلام همواره بر اتحاد بین همه مسلمین (چه شیعه و چه سنی) تاکید بسیار داشته است. در قرآن کریم آیاتی مانند "ان هذه امتکم امه واحده وانا ربکم فاعبدون" (سوره انبیاء آیه ۹۲) به وحدت همه مسلمین اشاره دارد. همچنین هدف از همگرایی بین جوامع اسلامی اولاً پیشگیری از فروپاشی دورنی آیین اسلام بر اساس اختلافات است. ثانیاً همگرایی مسلمانان جهان، بر عظمت و بزرگی آنان می افزاید. ثالثاً همگرایی مسلمین امید دشمنان را از اینکه بتوانند با ایجاد تفرقه به اسلام ضربه بزنند به یاس و ناامیدی تبدیل خواهد کرد.

مهم ترین توطئه استکبار جهانی برای مقابله با وحدت مسلمانان، ایجاد ناامنی در کشورهای آنان است. غرب از طریق ایجاد درگیری های سیاسی، ترور مسلمانان به ویژه شیعیان، دخالت در امور داخلی این کشورها، در تلاش است استقلال سیاسی این کشورها را زیر سوال ببرد. کشوری که استقلال سیاسی ندارد استقلال فکری نیز نخواهد داشت و نمی تواند آزادانه تصمیم بگیرد و در نهایت در خدمت بیگانگان قرار خواهد گرفت. بنابراین زمانی که بحث وحدت مطرح می شود نکته قابل توجه این است که همه کشورهای اسلامی باید به دنبال وحدت باشند و در جهت از بین بردن جهالت و تعصبات مذهبی که استکبار جهانی در آن نقش دارد تلاش کنند. مسلماً وقتی یک جامعه از فرهنگ اسلامی دور و در جهالت باشد، توطئه های دشمن بهتر پیاده می شود. بنابراین مسلمانان باید به اسلام وابسته باشند و وحدت داشته باشند و این امر باید به یک باور تبدیل شود.

ذکر این نکته ضروری است که یکی از مهم ترین الزامات وحدت جهان اسلام، وحدت شیعیان است. این بدین دلیل است که تا زمانی که شیعیان بر اساس اختلافات درونی نتوانند با هم وحدت داشته باشند، قطعاً نخواهند توانست در دایره اتحاد بزرگتری با اهل تسنن

در شرایط کنونی جامعه کمک بسیاری به شناخت بهتر جریان فتنه و ایجاد بینش و بصیرت که همواره از تاکیدات معظم له نیز بوده است خواهد گردید.

در نتیجه تاکید مقام معظم رهبری بر بصیرت این پیام را برای ملت و مسئولین به همراه دارد که در حال حاضر وحدت در درجه اول اولویت قرار دارد و عامل مقوم قدرت نرم به شمار می رود.

دیپلماسی عمومی

دیپلماسی عمومی رویکردی نوین در سیاست خارجی کشورهاست که مردم و به ویژه نخبگان جوامع دیگر را در روابط خارجی هدف قرار می دهد. به عبارت دیگر تحولات عرصه بین الملل و قدرت گرفتن بیش از پیش بازیگران غیردولتی، موجب بروز تحولاتی در چگونگی عملکرد دیپلماسی شده است. امروزه دولت ها در قالب برنامه هایی برای برقراری ارتباط و تاثیرگذاری بر مخاطب عام و در چهارچوب دیپلماسی عمومی تلاش می کنند، تا به برخی از اهداف سیاسی خود دست یابند. در سال های اخیر بحث و تحقیق پیرامون دیپلماسی عمومی به ویژه در ایالات متحده آمریکا تعمیق و توسعه یافته و پس از رخدادهای ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ مطالعات و عملیات دیپلماسی عمومی آمریکا بر جهان اسلام متمرکز شده است. این در حالی است که کشورهای اسلامی کمتر به این مقوله می پردازند و توجه اندکی در به کارگیری آن دارند. به باور نویسندگان منابع فرصت ساز قدرت نرم جمهوری اسلامی در چارچوب دو راهبرد آموزشی و رسانه ای در دیپلماسی عمومی به کار گرفته شده تمرکز بر شیعیان سایر کشورها می تواند دستاوردهایی مانند گسترش بیداری اسلامی و افزایش عمق راهبردی ایران را به دنبال بیاورد. در این بین ایران، با توجه به قدرت نرم خود، از جمله کشورهایی است که توانایی بالقوه زیادی در جذب و تاثیرگذاری بر مخاطبان جهانی خصوصاً شیعیان دارد. جمهوری اسلامی ایران از طریق دیپلماسی عمومی می تواند با کاهش واگرایی در میان شیعیان، همگرایی را به ارمغان بیاورد. در این پژوهش تلاش می شود بر اساس مفهوم دیپلماسی عمومی به تحلیل موضوع مورد نظر پرداخته شود.

قرار بگیرند. مهم ترین راهکار وحدت شیعیان در کشورهایی که در این بخش بحث شدند، الگو قراردادن نظام جمهوری اسلامی ایران در نظر شیعیان این کشورها است. مقاومت ایران در سال ۱۳۵۷ در مقابل جهان استکبار و پیروزی این کشور و همچنین تاسیس حکومتی بر پایه آیین تشیع و ایستادگی در حدود بیش از سه دهه در مقابل دشمنان، بهترین توجیه برای الگو بودن ایران برای همه شیعیان جهان در همه ادوار است.

انقلاب‌ها معمولاً آثار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی مهمی در کشوری که در آن واقع شده اند و در منطقه و حتی در سطح جهانی می‌گذارند. انقلاب اسلامی ایران در زمره یکی از بزرگترین رخدادهاى قرن بیستم است که افزون بر تغییرات بنیادین در نظام سیاسی و جامعه ایران، در فراسوی مرزها نیز حرکت کرد و پایداری خود را در گسترش ایدئولوژی در ابعاد جهانی دید. هرچند انقلاب اسلامی ایران یک الگوی عملی را به جنبش‌های اسلامی عرضه داشت اما این انقلاب بیشترین تاثیر را بر جمعیت‌های شیعی منطقه گذاشت؛ از یک طرف سبب شد تا مذهب شیعه مورد توجه قرار گرفته و به جهانیان معرفی شود و از طرف دیگر، جوامع شیعی در کشورهای مختلف احساس خود باوری کرده در جهت رشد و ارتقای سیاسی گام بردارند. همچنین باید توجه داشت که انقلاب ایران موجب شد تا حرکت‌های اسلامی و شیعی به تشکیل و یا سازماندهی مجدد پرداخته و در راستای احقاق حقوق و اثبات هویت خود به مبارزه برخیزند. از سوی دیگر روی کار آمدن حکومت شیعی در ایران عوامل موثر بر ژئوپلیتیک منطقه را دگرگون ساخت و باعث شد غرب از زاویه دیگری به منطقه و عناصر ژئوپلیتیک آن توجه کند. انقلاب ایران موازنه قوا در منطقه را بر هم زد و سیاست‌های قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در خاورمیانه را دگرگون نمود و حساسیت‌ها و واکنش‌هایی را نسبت به کشورهایی که دارای جمعیت شیعه بودند، برانگیخت.

نکته قابل توجه این است که شیعیان کشورهای مورد بحث نیز خود به الگو بودن نظام ایران در منطقه اذعان دارند. سوریه یکی از

کشورهایی بود تاثیر زیادی از انقلاب ایران و نظام آن گرفت و به دلیل قدرت علویان در این کشور، این تاثیرپذیری حتی در سیاست‌های حزب بعث نیز دیده می‌شود. تاثیرپذیری شیعیان کشور مصر در شکل فعال شدن گروه‌های آزادی خواه و عدالت طلب ظاهر شد که زمینه فکری این گروه‌ها، تفکر شیعه بود و تحت تاثیر انقلاب ایران عمل می‌کردند. در افغانستان نیز تحت تاثیر انقلاب اسلامی ایران و نظام این کشور، گروه‌های فعال شیعی که از نظر عقیدتی و سیاسی با نظام جمهوری اسلامی همسو بودند شکل گرفته و به فعالیت پرداختند. همچنین انقلاب ایران تاثیر شگرفی بر موجودیت سیاسی شیعیان پاکستان نیز گذاشت و باعث تشکیلاتی شدن شیعیان این کشور شد.

در نهایت باید توجه داشت که جمهوری اسلامی ایران اگر چه از حیث قدرت سخت افزاری در جایگاه پایین تری نسبت به امریکا قرار دارد، اما شواهد عینی نشان می‌دهد که موقعیت معنوی و فرهنگی و به اصطلاح قدرت نرم ایران در منطقه رو به فزونی نهاده و در حال تبدیل شدن به یک قطب فرهنگی موثر در منطقه است. ایران زمینه‌ها و شرایط لازم برای کسب قدرت معنوی و ارتقای ناب محبوبیت خود در میان کشورهای منطقه را فراهم ساخته است. البته هر چند خاورمیانه وضعیتی سیال و بی ثبات دارد و هنوز شکل منسجمی به خود نگرفته است، اما تحولات جدید سیاسی- امنیتی در خاورمیانه (قیامها و خیزش‌های مردمی)، ساخت قدرت و سیاست در منطقه را به نفع ایران تغییر داده و همین امر، آثار و عواقب منفی‌ای بر منافع استراتژیک امریکا در منطقه، متحدان منطقه‌ای آن در جهان عرب و موقعیت رژیم صهیونیستی داشته است. تنها نکته‌ای که باقی خواهد ماند ارائه راهکارهایی به نظام جمهوری اسلامی ایران برای بهره‌گیری از این پتانسیل‌ها است.

نتیجه‌گیری و راهکارهای پژوهش

بی تردید برخورداری جمهوری اسلامی ایران از مولفه‌های موجود همچون رهبری شایسته، پابندی به ارزش‌های دینی و وفاداری ملت به نظام، از عوامل اصلی اقتدار ایران در برابر جنگ نرم دشمن است.

چرا که قدرت نرم ایران نه تنها برگرفته از ابزارهای مادی و دنیوی نیست بلکه، از ایمان و اعتقاد آن‌ها و به عبارت دیگر از فرهنگ اسلامی- ایرانی نشأت گرفته است و تجربه نشان داده است که هر گاه عوامل مادی پا به میدان نبرد با معنویات گذاشته اند، سرانجام ایمان و اعتقاد برگرفته از معنویات پیروز بوده اند. ولایت پذیری، نفی سلطه و عمق و گستره فرهنگ عاشورا در ایران، همه و همه منابع قدرت نرم ایران را تقویت کرده و چشم اندازی روشن برای انقلاب ایران ترسیم کرده اند. عواملی که نبود آن امروزه در تحولات خاورمیانه احساس می‌شود. در پایان با تاکید بر حفظ وحدت و برخورداری از بصیرت در عرصه جنگ نرم، سخنی از مقام معظم رهبری پیرامون حمله دشمن به سنگرهای معنوی ذکر می‌شود که:

«درجنگ روانی و آنچه که امروز به اوجنگ نرم گفته می‌شود دردنیای دشمن به سراغ سنگرهای معنوی می‌آید که آنها را منهدم کند، به سراغ ایمانها، معرفتها، عزم ها، پایه‌ها و ارکان اساسی یک نظام و کشور، دشمن به سراغ اینها می‌آید که اینها را منهدم کند و نقاط قوت را در تبلیغات به نقاط ضعف تبدیل می‌کند. این کارهایی است که دارند می‌کنند.» ([Statements by the Supreme Leader on October 24, 2009](#)).

اینگونه است که ملت ولایت پذیر با توجه به رهنمودهای رهبر انقلاب به جایی می‌رسند که ایشان می‌فرمایند:

«پیروزی انقلاب اسلامی، تشکیل جمهوری اسلامی، "ماندگاری، استحکام و پیشرفت‌های چشم‌گیر و روزافزون نظام اسلامی در زمینه‌های مختلف"، به عنوان یک الگوی هویت بخش و عزت آفرین در مقابل چشمان ملت‌های مسلمان منطقه قرار دارد و آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده است.» ([Statements by the Supreme Leader in a gathering of the Assembly of Experts \(on March 9, 2011,](#)

در تجزیه و تحلیل مباحث مربوطه، یکی از مهمترین نتایج حاصله، نقش جمهوری اسلامی ایران در شکل دهی به جریانات شیعه و پتانسیل الگو برداری از جمهوری اسلامی ایران برای جماعات شیعه

در سایر کشورها، بسیار حائز اهمیت است و از طرفی بهترین راهکار برای نظام جمهوری اسلامی ایران در راستای وحدت بخشی، ایجاد نوعی الگو از ارزش‌ها و سیاست‌های خود برای شیعیان این کشورها می‌باشد. نکته قابل توجه درارتباط با این مسئله، توان و ابزار بهره گیری ایران از ظرفیت‌های فوق است. بهترین ابزار، استفاده ایران از قدرت نرم افزاری و ابزار دیپلماسی عمومی درارتباط با شیعیان این کشورها است. ایران همچنین منابع قدرت نرم را نیز دارا است که عبارتند از: ۱- فرهنگ (نهادینه شدن فرهنگ تشیع و شیعه گری در جامعه ایران) ۲- ارزش‌های سیاسی (تشکیل حکومت اسلامی و درراس آن ولایت فقیه) ۳- سیاست خارجی (استقلال طلبی، استکبار ستیزی و حمایت از ملل محروم).

نمونه‌هایی از دیپلماسی عمومی که ایران می‌تواند در کشورهای مورد بحث به کار گیرد:

۱- دیپلماسی فرهنگی: منظور از دیپلماسی فرهنگی تلاش برای درک، مطلع ساختن، مشارکت دادن و تاثیر گذاردن بر مردم دیگر کشورهاست.

۲- دیپلماسی مبادله: دیپلماسی مبادله تلاش یک بازیگر بین المللی از طریق فرستادن اتباع خود به خارج از کشور و درمقابل، پذیرش اتباعی از کشور خارجی برای دوره تحصیلی و یا آشنا شدن با فرهنگ آن کشور تعریف می‌شود که برنامه‌هایی در قالب تاسیس مراکز فرهنگی و علمی، مشارکتهای دانشگاهی و تبادل استاد و دانشجو را شامل می‌شود. یکی از پایه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، تکیه بر توانمندی‌های دانشگاهی و حوزوی است. از این رو، باید برنامه‌های هوشمندانه‌ای برای گسترش همکاری‌های علمی و پژوهشی به ویژه با محوریت نیازهای منطقه، دوری از حساسیت‌های منطقه‌ای و در چارچوب منافع ملی ایران انجام گیرد.

۳- دیپلماسی اقتصادی: دیپلماسی اقتصادی جزئی از دیپلماسی عمومی است که تلاش یک بازیگر بین المللی (در اینجا جمهوری اسلامی ایران) برای تحت تاثیر قرار دادن افکار عمومی در کشورهای دیگر با استفاده از ابزار اقتصادی تعریف می‌شود. باید گفت که

اینکه در صورت بروز این مشکل، قرار دادن آنان زیر پرچم اتحاد و همگرایی سخت‌تر می‌شود.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The study at hand investigates the critical role of senior managers of the Islamic Republic of Iran and the non-instrumental components that contribute to the convergence of Shiite communities in the region. In its theoretical foundations, the article begins by problematizing the concept of “soft warfare,” drawing upon scriptural interpretations such as Qur’anic verse 2:217, which underscores the perpetual hostility of adversaries, and situating this hostility within evolving forms of warfare—military, economic, and cultural. Historical analyses highlight how the concept of soft war, especially after the Cold War in the 1970s, became institutionalized with the participation of political science and communication scholars like Joseph Nye, Harold Lasswell, and John Collins, alongside U.S. agencies such as the CIA and Pentagon through the “Committee on the Present Danger,” targeting primarily the Soviet Union but later focusing on the Islamic Republic of Iran and its allies (Najafi, 2010; Vahedian Ardakani, 2010). Within this framework, the article reviews multiple definitions of soft war, including John Collins’ identification of it as the designed use of propaganda to penetrate the enemy’s thought structures (Collins, 1991), the U.S. Army’s definition emphasizing influence over attitudes and behaviors, and Nye’s seminal formulation that soft war involves “shaping the preferences of others” and that soft power is essentially the capacity to shape such preferences (Nye, 2008). Against this background, the research identifies the main

فعالیت‌های تک بعدی موجب حساسیت کشورها و آسیب پذیری فعالان شیعی می‌شود. باید در برنامه ریزی برای فعالیتهای فرهنگی، بسترهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آنها نیز در نظر گرفته شود.

- جمهوری اسلامی ایران باید همواره از سیاست ائتلاف گروه‌ها و احزاب شیعی در دیگر کشورها حمایت به عمل آورد چراکه فرقه گرایی و تعدد احزاب باعث می‌شود که قدرت بین آنها تقسیم شده و آنها برای نفوذ در ساختار سیاسی با مشکل مواجه شوند ضمن

objectives of soft warfare as undermining values, altering behavioral patterns, promoting alternative discourses, and destabilizing governing systems, with particular emphasis on cultural subjugation as anticipated by Imam Khomeini and later reaffirmed by Ayatollah Khamenei, both of whom warned against cultural dependency and the erosion of faith as the central target of Western psychological operations (Jafari & Zahmatkesh, 2010; Mah Pishanian, 2010).

The article then shifts to an in-depth examination of Western sources of soft power, specifically highlighting Nye’s triadic model of culture, political values, and foreign policy (Nye, 2008). Cultural exports such as higher education and cultural exchanges are identified as key mechanisms through which the United States has cultivated influence, as seen in Colin Powell’s acknowledgment of the strategic value of international students educated in the U.S. Similarly, the article explores how American and European political values, particularly democracy and human rights, act as powerful attractors but also face criticism and rejection by fundamentalist groups who view them as corrosive to traditional moral structures. Furthermore, foreign policy objectives and values—ranging from federalism and open markets to global order maintenance—are presented as additional sources of Western soft power (Nye, 2008). However, the article underscores that Western reliance on these instruments has not gone uncontested, as declining trust in Western governments has eroded the appeal

of their political models. It is within this juxtaposition of Western reliance on material culture, economic might, and international diplomacy versus Iranian reliance on spiritual and ideological resources that the central hypothesis of the article emerges. The Islamic Republic's power base, according to the authors, is deeply rooted in spiritual, faith-based, and value-driven resources that have proven resilient against decades of Western cultural and psychological offensives.

The next section of the article addresses the Islamic Republic of Iran's non-instrumental components of soft power, defined here as resources not based on material dominance but on faith, values, and collective consciousness. At the strategic level, this begins with the principle of *Velayat* (Guardianship), embodied first in the leadership of Imam Khomeini and continued by Ayatollah Khamenei. The analysis draws on Shafiei's description of Imam Khomeini's leadership model as "management of hearts," characterized by divine motivation, duty-orientation, and people-centered governance (Shafiei, 2008). This leadership, the article argues, not only guided Iran out of dependence on Western powers but also provided a unifying axis that differentiated Iran from fragmented post-Arab Spring states like Egypt, Tunisia, Libya, and Yemen, which lacked cohesive leadership structures. Beyond leadership, the article highlights the nation's adherence to religious values, evidenced by mass participation in rituals such as the 22 Bahman marches and Ashura commemorations, as well as the mobilization of youth during the eight-year Iran-Iraq war. These events are interpreted as demonstrations of unwavering commitment to religious principles, which, rather than material tools, serve as the foundation of Iran's resilience. Further, the principle of *Nafy-e-Solta* (denial of domination) is discussed as both a constitutional mandate and a theological doctrine preventing foreign subjugation, supported by scriptural imperatives that forbid granting disbelievers power over Muslims (Ziyabakhsh, 2009). Such principles, deeply internalized in both governance and society,

have continuously blocked Western attempts to erode Iranian independence.

The discussion also considers the loyalty of the Iranian people to the Islamic system as a significant source of soft power. Empirical illustrations include large-scale participation in national elections, the commemoration of Imam Khomeini's death, and spontaneous demonstrations such as the December 2009 rally following domestic unrest, which reaffirmed popular support for the system. These instances are framed not simply as political mobilizations but as symbolic reaffirmations of collective faith in the system, enhancing Iran's capacity to withstand external psychological pressures. The article emphasizes that such loyalty is not episodic but deeply embedded in the consciousness of the populace, reinforced annually through rituals and national commemorations that fuse political legitimacy with spiritual devotion. Alongside this, the authors stress the importance of unity and *basirat* (insight), echoing Ayatollah Khamenei's repeated calls for discernment during crises. Insight is described as the capacity to distinguish between friend and foe, oppressor and oppressed, during periods of social and political confusion, thereby preventing the enemy's infiltration into the hearts and minds of the people. The research thus identifies unity and insight as strategic enhancers of Iran's non-instrumental soft power, enabling the country to maintain cohesion against adversarial campaigns.

Another dimension examined in the article is the role of public diplomacy as an instrument through which Iran projects its soft power regionally and globally. Public diplomacy is conceptualized as the set of strategies targeting foreign publics, particularly elites, in order to shape perceptions and foster alignment. The article notes that while the United States has extensively deployed public diplomacy, particularly after the September 11, 2001 attacks, Islamic countries have lagged behind in adopting similar strategies. Nevertheless, Iran is recognized as a country with significant potential in this area, given its cultural and religious capital.

By focusing on Shiite communities abroad, Iran can employ educational exchanges, media engagement, and cultural diplomacy to foster greater convergence. Examples include leveraging academic collaborations, religious rituals, and media narratives to deepen ties with Shiite communities across the Middle East and South Asia. The authors argue that through such efforts, Iran is able to reduce fragmentation and strengthen a shared sense of Shiite identity, thereby countering Western narratives and advancing its strategic depth in the region.

The final analytical section extends the discussion to the global Shiite context, arguing that Iran has served as a model for Shiite communities across various countries. The Iranian Revolution of 1979 is presented as a transformative event not only for Iran but also for Shiite populations in countries such as Syria, Egypt, Afghanistan, and Pakistan, where it inspired new movements, enhanced political self-confidence, and catalyzed organizational restructuring. The article emphasizes that Shiite unity is an essential precondition for broader Islamic unity and that without internal cohesion among Shiites, engagement with Sunni communities on the basis of shared Islamic identity will remain fragile. Iran's example of resistance against Western hegemony and its establishment of a Shiite-based Islamic government has been instrumental in inspiring Shiite communities to pursue political participation and resist marginalization. The text underscores that despite lacking the material capabilities of the United States, Iran's cultural and spiritual influence has been expanding, particularly in the wake of regional uprisings and transformations that have weakened U.S. strategic influence. This ascendancy is attributed to Iran's consistent reliance on non-material resources—faith, leadership, loyalty, and unity—which collectively constitute a robust framework of soft power capable of reshaping regional dynamics.

In conclusion, the extended abstract establishes that the Islamic Republic of Iran's resilience and growing influence cannot be attributed to

conventional hard power or material advantages but rather to its strategic deployment of non-instrumental resources rooted in faith, values, leadership, and collective consciousness. The evidence provided demonstrates that these components have enabled Iran not only to withstand decades of psychological and cultural offensives but also to inspire and converge Shiite communities regionally and globally. By articulating a model of soft power grounded in spiritual and ideological foundations rather than material dominance, the article highlights the uniqueness of Iran's approach and its potential to redefine regional alignments. Ultimately, the study affirms that maintaining unity, deepening insight, and harnessing public diplomacy remain the most effective strategies for sustaining Shiite convergence and countering external threats in the contemporary geopolitical landscape.

References

- Collins, J. M. (1991). *Grand Strategy: Principles and Practices*. Office of Political and International Studies, Ministry of Foreign Affairs Publications.
- Jafari, A., & Zahmatkesh, M. (2010). Tools of Soft War in the Mirror of Western World Domination. *Abstracts of the National Conference on Soft War*. Tehran: The Representative Office of the Supreme Leader, Alia Publications.
- Mah Pishanian, M. (2010). *Soft War in Media and Cyberspace* (1st Edition ed.). Alia Publications.
- Najafi, M. S. (2010). *Soft War; A Perpetual War*.
- Nye, J. (2008). *Soft Power: The Means to Success in World Politics* (2nd Edition ed.). Imam Sadegh University Publications.
- Shafiei, A. (2008). *The Leadership Style of Imam Khomeini*. Research Center of Hawza and University & International Publishing Company affiliated with Amir Kabir Publishing Institute.
- Statements by the Supreme Leader in a gathering of the Assembly of Experts on March 9, 2011.
- Statements by the Supreme Leader in a meeting with commanders and personnel of the Army Air Force on February 9, 2011.
- Statements by the Supreme Leader on October 24, 2009.

- Vahedian Ardakani, M. (2010). The Role of Media in Soft War.
- Ziyabakhsh, A. (2009). The Rule of Negation of Domination (Qa'idat Nafi al-Sabil).